

حسن بصری

چہرہ جمالی تصوف

مکوش و گزیش :

محمدی عمادی



عمادی شیرازی، مهدی، ۱۳۴۰ -

حسن بصری چهره جنجالی تصوف / نوشته مهدی عمادی. - تهران: سنائی، ۱۳۸۲.

۴۲۴ ص.: مصور، نمونه.

ISBN 964 - 6290 - 25 - 6 : ۳۲۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۴۱۵ - ۴۲۴؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. حسن بصری، ۲۱ - ۱۱۰ ق. - نقد و تفسیر. ۲. تصوف - دفاعیه ها و ردیه ها. الف. عنوان.

۲۹۷/۸۹۲۴

BP ۲۷۸ / ۳ / ج ۵ ع ۸

ع س / ۵۱۷ ح

م ۸۲ - ۱۳۱۱۸

کتابخانه ملی ایران



انبار کتابخانه ملی

حسن بصری

چهره جنجالی تصوف

به کوشش: مهدی عمادی

چاپ اول، ۱۳۸۴، حروفچینی همراه، لیتوگرافی قاسملو،

چاپ احمدی، صحافی ایرانمهر، شمارگان ۳۳۰۰ نسخه

شابک: ۶ - ۲۵ - ۶۲۹۰ - ۹۶۴ ISBN 964 - 6290 - 25 - 6

دفتر: میدان انقلاب خیابان اردیبهشت نبش روانمهر شماره ۲۳۰ تلفن: ۶۴۰۱۰۶۱ - ۶۴۱۰۷۱۹

فاکس: ۳۹۲۰۶۵۹ فروشگاه: ۳۹۰۳۲۷۲

قیمت ۳۲۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۱	سبب نگارش.....
۱۵	بخش اول - پدیده تصوف.....
۱۶	ماهیت تصوف.....
۴۱	آشنائی حسن بصری با تصوف.....
۴۹	بخش دوم - حسن بصری.....
۵۰	فشرده‌ای برای شناخت حسن بصری.....
۵۴	انگیزه‌ای برای تصوف حسن بصری.....
۵۸	حسن بصری در پی گماشته حق.....
۶۲	زمان و گونه ارتباط حسن بصری با علی امیرالمؤمنین (ع).....
۶۷	شیع‌سازی برای حسن بصری.....
۷۶	چگونه می‌توان باور داشت حسن بصری شیعه است؟.....
۸۲	شیعه نبودن لازمه سازش با بنی‌امیه.....
۸۸	حسن بصری و خلط بین تقیه و نفاق.....
۹۷	برخوردهای حسن بصری با امامان نه تقیه می‌باشد نه نفاق.....
۱۰۲	نقش حسن بصری در نشر اکاذیب و همگانی کردن لقب امیرالمؤمنین.....
۱۰۶	موقعیت اعتقادی حسن بصری.....
۱۱۳	بخش سوم - نمونه‌ای از عقائد حسن بصری.....
۱۲۰	صراط‌الذین انعمت و تفسیر حسن بصری.....
۱۲۱	نظر حسن بصری درباره سلام‌های نماز.....

- ۱۲۲ شق القمر با نگاه حسن بصری
- ۱۲۳ شناخت قربانی ابراهیم خلیل با نظر حسن بصری
- ۱۲۴ حسن بصری و تعمیم خلافت
- ۱۲۸ امید نجات حسن بصری برای مخالفان علی امیرالمؤمنین (ع)
- بخش چهارم - فتاوی حسن بصری** ۱۳۱
- ۱۳۴ حسن بصری فقیه امویان در بصره
- ۱۳۹ فتوای حسن بصری در آموزش خواهی دشمنان علی
- بخش پنجم - بدعت آوری حسن بصری، فقیه صوفی** ۱۴۵
- ۱۴۸ نهی از ازدواج
- ۱۵۰ بدعتی از بصری در نابودی شرایع اسلام
- ۱۵۱ بدعتی از بصری در مخالفت با رأی پیامبر
- ۱۵۲ نشر سلیقه در مقابل حکم خدا
- بخش ششم - روحیات حسن بصری** ۱۵۷
- ۱۵۹ ریشه حزن بصری وانگیزه پنهان داری آن
- ۱۶۲ انزوای راهبانه نتیجه برداشتی غلط از نفی دنیا
- بخش هفتم - تزویرهای زاهدانه حسن بصری** ۱۷۵
- ۱۸۴ ابلیس در نگاه حسن بصری
- بخش هشتم - جایگاه امامان آل بیت نزد حسن بصری** ۱۹۱
- ۲۰۳ حسن بصری طراح غدیر بی علی امیرالمؤمنین
- ۲۱۰ رحمت فرستی برعثمان اعتراض به علی
- ۲۱۳ اعتراض حسن بصری به عملکرد علی امیرالمؤمنین
- ۲۱۵ ارادت ورزی منافقانه در ارتباط با امام حسن مجتبی

۲۱۹	فرار حسن بصری از یاری امام حسین علیه السلام
۲۲۳	پرسش امام سجاد علیه السلام، پاسخ حسن بصری
۲۲۶	قطع کامل حسن بصری از امامت
۲۲۷	برخورد حسن بصری با نظریات و آرای فقهی امامان
۲۲۹	شب قدر
۲۳۱	اجتهاد حسن بصری در مقابل فتوای اهل بیت

۲۳۳	بخش نهم - نتیجه گیری متکی بر
۲۳۵	حسن بصری از زبان حسن بصری
۲۳۸	نتیجه گیری متکی بر فرموده نبوی

۲۴۱	بخش دهم - دفاع از حسن بصری
۲۵۲	دلیل های بی بنیاد
۲۵۳	استفاده از احادیث علوی، دلیلی برای تشیع حسن بصری
۲۵۵	دلیل تقیه
۲۵۸	دلیل علیه دلیل
۲۵۸	اعتبار سازی به لحاظ نقل فضائل علی
۲۶۰	نقل آرای علی، دلیلی دیگر برای تبرئه حسن بصری
۲۶۱	علی را به مولائی پذیرفتن، دلیل دیگر مدافعان حسن بصری
۲۶۲	دلیلی به ظاهر قابل اعتناء
۲۶۳	شهرت بغض داری علی
۲۶۶	راز معمائی فریب دهنده

۲۶۹	بخش یازدهم - مخالفان حسن بصری
۲۷۰	مخالفت شخصیت های علمی با حسن بصری
۲۷۸	مخالفت عرفا و صوفیه با حسن بصری

بخش دوازدهم - موافقان حسن بصری	۲۸۳
حسن بصری از دیدگاه اهل سنت	۲۸۴
مخالفت شیعیان با سرزنش سنیان	۲۸۵
شرکت نکردن ابن سیرین در نماز بر حسن بصری	۲۸۶
حسن بصری نه با تفکر شیعی، نه با ایمان سنی	۲۸۸
صوفیان ثناگوی حسن بصری	۲۸۹
جایگاه حسن بصری نزد علی امیرالمؤمنین	۲۹۵
دین حسن بصری	۲۹۷
چه کسانی اصرار دارند حسن بصری ثناگوی علی بوده است	۲۹۹
بخش سیزدهم - آرای رهبران دینی شیعه درباره حسن بصری	۳۰۳
بخش چهاردهم - حسن بصری در تصوف فرقه‌ای	۳۵۱
شکل دادن نسبت حسن بصری به علی امیرالمؤمنین	۳۵۴
گونه انتساب صوفیه به علی امیرالمؤمنین	۳۵۷
حسن بصری در شجره فرقه‌های تصوف	۳۶۲
دفع ننگ با فتنه و بدعت	۳۶۶
دلائل بی‌اعتباری اعتبار	۳۶۹
من رسیدم نکته‌ها را مو به مو	۳۷۲
توجه به مواد اولی اصول یک تفکر	۳۷۶
سامانی برای بی‌سر و سامانی تصوف	۳۷۹
انس بن مالک سرسلسله معروفیه	۳۸۲
نقش حسن بصری در به انحطاط کشاندن اسلام	۳۸۵
ادعای بی‌بنیاد صوفیان	۳۹۰
دل تشنه شد	۳۹۵

سبب نگارش

محبت و دلباختگی به اهل بیت عصمت و طهارت را برای نخستین بار از شیر مادر چشیدم و به نیروی دوستداری آل علی، آسیب‌پذیریهای دوران طفولیت را بی‌خطر پشت سر گذاشته، خوشبختانه به این سرمایه که مادر به جانم ریخته بود، جوانی را با طراوتی برگرفته از امامان آل بیت در محضر پر فیض پخته وحی احدی، سوخته محبت آل محمدی میرزا جعفر کاظمی^۱ - که خداوند مائده لقایش را نصیبش فرماید - گذرانیده، همین لطف الهی کشان‌کشانم به حضور عارفان برد. گذشت زمان و انس با ایشان مرا با تاریخ و شخصیت‌های این طائفه - که به راستی اگر عارف باشند گل سرسبد خلقتند - آشنا کرد...

.... در این راستا با نام «حسن بصری» برخورد کردم و دانستم که او سرحلقه صوفیان و پیر پیران است. این درست زمانی بود که مخالفان تصوف همانند دوستداران آن مرا به سوی خود می‌کشاندند و با مجموعه آثاری که در رد اصول اعتقادی صوفیه و مهمتر، بررسی و موشکافی کردن ادعای ارتباط شجره صوفیه به امام - علیه‌السلام - که ادعای متصوفه است آشنا می‌کردند.

عالمان دین، شخصیت‌های برجسته مراکز علمی اسلامی که از نزدیک با راقم ارتباطی عالی داشتند، مرا در چنین موقعیت روحی و دل‌بستگی، به مطالعه دقیق نوشته‌های موافق و مخالف سفارش می‌کردند؛ تا نتیجه این دل‌باختگی که پس از صرف عمری معلوم و آشکار می‌شود، چیزی غم‌برانگیز و توأم با حسرتی اسف‌بار در اتلاف عمر نباشد.

آنچه را دوست صوفی یا صوفی به دفتر سپرده بود دیدم، خوب و بدش را شناختم و جدا کردم، درست و نادرست را فهم نمودم؛ دانستم حتی او که به مرکب ریا و تظاهر بر صفحه حب جاه، ننوشته است، کجایش مبتلا به هر دو شده و نتوانسته از آن دو یار همیشگی که برای رهائی از آن سلوک کرده‌اند و می‌کنند بگذرد. نقد صوفی را که دشمن از سر عناد، و محقق و پژوهشگر بدون بغض و کینه نوشته بودند به دقتی که برایش تصور

۱- حضرت ایشان از نوادر روزگار خویش بودند جمع‌کنیری از خوش‌نامان روزگار که به نوعی از قرآن مستفیض هستند و خدمت‌گزارند دست پرورده جنابش بودند که در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی به جمع همدان نسیم وصال و محرومان حریم جمال پر کشیدند.

نیست خواندم...

... چنین دریافتیم باید حسن بصری سرحلقه نشین صوفیان همو که همه صوفیان خرقه به او می‌رسانند و به واسطه‌اش نسبت خویش را به مولی الموحدین علی امیرالمؤمنین (ع) درست می‌کنند، خوب بشناسم.

یک باره و چند باره آثار موافق و مخالف حسن بصری را دقیقاً مرور کردم، از آنچه به دقت مطالعه شده بود بارور شدم، سرحلقه‌نشین صوفیان نه تنها میانه خوبی با پدیده ولایت با امامت نداشته بل دشمنی هم نموده است. به لحاظ دوستداری آل رسول، فرزندان علی و زهرای بتول، رفته رفته خوش‌بینی خویش را نسبت به حسن بصری، همانند هر مخالفی که از حضور رسول خدا تا سقیفه و از آنجا تا کربلا و از عاشورا تا حال از امامان اهل بیت راه جدا کرده بود از دست دادم. قانون «تولی» دوستداری در راه خدا و رسول، «تبای» جدائی از کسانی که حب ایشان از دستورات اکید دینی است و متأسفانه به روزگار ما توجهی به آن نمی‌شود مرا نسبت به موضوع مهم تعریف و تمجید متصوفه از حسن بصری حساس کرد و بر خود خشم می‌کردم، این چه حیل و تزویر است که دشمن سرسخت کینه‌توز علی امیرالمؤمنین (ع) را تا جائی به مظلوم همیشه تاریخ نزدیک کنند که از محارم اسرار حضرتش بشناسانند؛ او را واسطه ارتباط معنوی طالبان سیر در اسرار ولایت امامان اهل بیت قرار دهند.

این حساسیت از جانم دست بر نمی‌داشت و نمی‌توانست هم بردارد، زیرا اعتقاد و ایمان و ایقان به «پدیده ولایت با امامت» اصل و اساس اعتقاداتم بود، همین مانع می‌شد به وظائفی که شیعه بودن به عهده‌ام گذاشته بود بی‌توجه باشم اگر هم در مواردی به چنین بی‌سعادتگی گرفتار آمده بودم به غرض و مرض نبوده بل فهم نکرده از کنارش گذشته‌ام.

کنجکاوای پیرامون شناخت حسن بصری رهایم نمی‌کرد می‌خواستم بدانم چه انگیزه‌ای چنین معلوم‌الحالی را در مرتبتی بسیار حساس و پرطنطنه قرار داده تا جائی که صوفیان در مجالس خود از او همت گیرند او را در طبقه اولیاء قرار داده، برایش فاتحه بخوانند. در این رهگذر سرگرم این سؤال و پرسش بودم که یک روز از شخصی شنیده شد: آقای «اشرف صادقی» شیخ فرقه قادریه جو یا می‌شود چطور ممکن است شخصی با آن همه خصوصیت‌های ضد آل علی مانند حسن بصری بتواند واسطه معنوی بین سالک با

مقام شامخ ولایت باشد؟! او در جواب می‌گوید: حسن بصری دشمن آل علی، با حسن بصری صوفی دو کس هستند در صورتی که چنین نیست....

.... تا اینکه چندی پیش در یکی از مطبوعات رسمی کشوری که عاصمه تشیع است مقاله نقدی را با اسم «نقد علمی و نظری صوفیه» نوشته خانم مریم مشرف بر کتاب شریف و گران سنگ «نقد صوفی» نوشته آقای دکتر کاظم یوسف پور خواندم که مدعی شده بود آنچه نسبت به حسن بصری مطرح می‌شود افسانه‌ای است که بعدها مخالفان حسن بصری و پیروان خوارج و گروه‌های تندرو وقت ساخته و پرداخته‌اند.^۱

نویسنده مقاله نخست با مهارت آنچه را از حسن بصری به ما رسیده است ساختگی دانسته، سپس شیعیان را که از مخالفان سرسخت اویند، در ردیف «خوارج» مخالفان کینه‌توز علی امیرالمؤمنین (ع) قرار داده است. و مهم‌تر اینکه شیعه همیشه مظلوم تاریخ را «تندرو» معرفی نموده و خواسته است با آن مطالب بی‌اساس که فراهم آورده، آب توبه‌ای بعد از چهارده قرن بدنامی به سر حسن بصری بریزد.

ناگهان به یاد نصیحت دوستی جانی، یاری روحانی جناب حاج آقا حسین عامری شمیرانی، شاعری سوخته، سالکی دلباخته افتادم که به من درباره سیدی جلیل القدر لکن صوفی می‌فرمود: «به راستی آنان که نسبت به او بی‌مهرند - شاید من نیز در زمره آنان منظور بودم - جواب جدش را چه می‌دهند.» در اندیشه رفتم راستی چون منی که به این حساسیت سرگرم هستم و ناظرم که می‌گویند و می‌نویسند حسن بصری چنین و چنان است تا به نام او لقمه نانی به کف آرند و به غفلت بخورند، به روز حشر اگر مورد سؤال قرارم دهند که چرا دانسته‌هایت را با خود به گور و محشر آورده‌ای چه پاسخی خواهیم داشت؟...

.... سکوت را بر خود که به این حقایق بارور بودم نه تنها نپسندیدم بل وظیفه اعتقادی دانستم؛ آنچه را در خود اندوخته کرده‌ام و سالهاست با آنها مانوس هستم به صورت مجموعه‌ای درآورم که ممکن است در من کهنه شود و دیگری هم از کنار آن بی‌تفاوت بگذرد. مخصوصاً در دوره‌ای که اینگونه گفته و نوشته‌ها را نشانه روشنفکری دانسته و گوینده‌اش به آن برای خود شخصیت‌سازی می‌کند.

به همین لحاظ به تدوین مجموعه حاضر اقدام کردم، تا عاشقان علی بن ابی طالب (ع) که ذوق طی طریق عارفانه تا سرحد ذوب شدن در دوستداری علی امیرالمؤمنین و آل آن بزرگوار را دارند، دور از فاتحه خوانی برای امثال حسن بصری که در فرقه های تصوف جایگاهی رفیع دارند، سالک راه ولایت باشند و بدانند دشمن اهل بیت که محرم ظاهر زندگی امامان اهل بیت هم نیست، راهی به مسائل معنوی برخاسته از باطن امام ندارد تا طالب را هادی و خضر راه و مرشد باشد و بتوان به فیض گیری از او تا افق سعادتها پرکشید.

حال که ستاره چنین بختی در طالع اقبالم دمید، موفقم کرد ذخیره ای برای عبور از دنیا فراهم آورم، از خوانندگان عزیز که با هر دیده و ایده این مجموعه را می خوانند انتظارم این است، هرگونه نارسائی که نظر را به خود مشغول داشت یا موضوعی از یاد رفته، به قید تحریر درنیاوده است با تذکری ممنونم سازند.

سپیده دم چهارشنبه ۲۱ بهمن هشتاد

خاک پای شیعیان

مهدی عمادی